

## نمونه امضای اعضای هیأت دولت

از ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ ش.

(۷)

علی کریمیان

۱۳۱ - حسابی، سید محمود [دکتر]

محمد  
محمود حسابی

دکتر محمد خجسته

دکتر محمد خجسته

تحصیلات او به مدت ۴ سال تا اول جنگ جهانی اول ۱۹۱۴ م. ادامه یافت. همزمان با شروع تحصیلات در این مدرسه توسط مادرش (گوهرشاد حسابی) تحت آموزش و فراگیری قرآن کریم، زبان فارسی، دیوان حافظ، بوستان و گلستان، مثنوی معنوی، منشآت قائم مقام و شاهنامه فردوسی قرار گرفت. در نخستین تابستانی که مصادف با جنگ جهانی اول بود، ضمن تحصیل در چند رشته ورزشی - هنری کسب موفقیت نمودند - در شنا دارای دیپلم نجات غریق شدند. با موسیقی سنتی ایران و موسیقی کلاسیک غربی به خوبی آشنا شد - مقارن ورود محمود به دوره متوسطه جنگ اول جهانی آغاز شد، در این زمان بیروت تحت تسلط دولت عثمانی، و عثمانی نیز متحد آلمان و ضد فرانسه بود، به همین سبب مدرسه فرانسویان بیروت تعطیل شد و تحصیل وی نیز متوقف ماند. پس از آن به مدت دو سال در بیروت در منزل درس خواند. و برای ادامه تحصیل دوره متوسطه به کالج آمریکایی بیروت رفت - اما چون زبان انگلیسی نمی دانست به او گفتند باید درس را از کلاس اول ابتدایی شروع کند. به این خاطر در تابستان همان سال زبان انگلیسی را فرا گرفت و بعد از شرکت در امتحانات عمومی مدرسه موفق شد، از کلاس سوم ابتدایی به کلاس پنجم ارتقاء یابد و بعد از اتمام دروس مدرسه به کالج آمریکایی بیروت راه یافت. در سال ۱۹۲۰ م. = ۱۲۹۹ ش. - در سن ۱۷ سالگی - از دانشگاه آمریکایی بیروت لیسانس «ادبیات و علوم» سپس گواهی

دکتر سید محمود حسابی فرزند حاج عباس (معز السلطنه) در ۱۶ اسفند ماه سال ۱۲۸۱ ش. در تهران - بازارچه قوام الدوله - به دنیا آمد. در سن چهار سالگی که سفارت ایران در بغداد به پدربزرگ ایشان واگذار شده بود، به همراه خانواده اش به آن شهر رفت و پس از دو سال اقامت در آنجا؛ در سال ۱۲۸۷ ش. به اتفاق خانواده به دمشق؛ و پس از یک سال اقامت در این شهر به بیروت عزیمت کرد، و در مدرسه ای شبانه روزی که فرانسویان تأسیس کرده بودند به تحصیل پرداخت. دوره ابتدایی را در این مدرسه با احراز رتبه اول به پایان رساند و در طی مدت تحصیل زبان فرانسوی و عربی را آموخت: و



*Dr. Mahmoud Hessaby*  
Prof. Mahmoud Hessaby

Signature: *Mahmoud Hessaby*

*Mahmoud Hessaby*  
Prof. Mahmoud Hessaby

*M. Hessaby*

دانشنامه دکترای فیزیک - با رساله ممتاز «حساسیت سلولهای فتوالکتریک» که در زمینه کار اینشتین بود، با درجه عالی گذراند و در ۲۳ اکتبر ۱۹۲۷ م. = ۳۰ مهر ۱۳۰۶ ش. به ایران بازگشت.

در ایران از ۱۲ دی ۱۳۰۶ ش. با حقوق ماهیانه نهصد قران به استخدام وزارت فواید عامه و در اداره طرق و شوارع (اداره راه) - که در آن زمان یکی از اداره‌های وزارت فواید عامه بود، درآمد و در سال ۱۳۰۷ ش. مدرسه مهندسی وزارت طرق و شوارع را تأسیس و به تدریس در آن پرداخت؛ سپس برای تهیه نقشه راه ساحلی خلیج فارس به مناطق جنوب کشور رفت و راه ساحلی بندر لنگه و خلیج فارس را برای اولین بار نقشه برداری کرد. پس از مراجعت برای تأسیس دارالمعلمین عالی به وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه (فرهنگ) منتقل شد. در همین سال قسمت علمی دانشسرای عالی را تأسیس و به تدریس رشته فیزیک در آن دانشسرا مشغول گردید و برای سایر رشته‌ها معلمین فرانسوی استخدام کردند.

در سال ۱۳۰۷ ش. دولت صدوده نفر از محصلین را برای تحصیلات عالی پس از گذراندن امتحانات شفاهی و کتبی به خارج از کشور اعزام کرد، که در ۸ شهریور ۱۳۰۷، از تعدادی اساتید در هر سه رشته جهت امتحان محصلین دعوت به عمل آمد. من جمله از دکتر حسابی و غلامحسین رهنما جهت عضویت هیأت ممتحنه

ستاره‌شناسی و نجوم و قسمتی از برنامه پزشکی را در این دانشگاه گذراندید. در سال ۱۹۱۸ م. = ۱۲۹۷ ش. جنگ جهانی اول به پایان رسید و بر حسب قرارداد سیاسی، لبنان و سوریه به دولت فرانسه واگذار گردید و مدارس فرانسوی بیروت آغاز به کار کردند. سپس محمود به مدرسه مهندسی فرانسوی بیروت رفت و در سال ۱۹۲۲ م. = ۱۳۰۱ ش. - در ۱۹ سالگی - موفق به اخذ دانشنامه مهندسی راه و ساختمان از آن مدرسه گردید. او پس از سه سال تحصیل در لبنان، سوریه و جبل و دروز؛ مدتی در قسمت راه مشغول به کار گردید و بعد از آن از طرف شرکتی که در آن کار می‌کرد، برای ادامه تحصیل به فرانسه اعزام شد. محمود در سال ۱۹۲۴ م. = ۱۳۰۲ ش. به دانشکده برق «اکول سوپریور دو الکتریسته پاریس» رفته و در سال ۱۹۲۵ م. = ۱۳۰۴ ش. فارغ‌التحصیل در رشته مهندسی برق از آن دانشگاه گردید و مدتی در راه آهن برقی پاریس «بارلئون» مشغول به کار، و همزمان با کار در پاریس به تحصیل در رشته معدن مشغول شد و از این رشته نیز مدرک مهندسی معدن گرفت. از آن پس مدتی در معادن آهن فرانسه و معادن زغال سنگ ایالت «سار» مشغول کار گردید. سپس برای ادامه تحصیل در رشته فیزیک در «سوربن» به دانشکده علوم پاریس وارد شد - مقارن این احوال چون از نظر مادی سخت در تنگنا بود رانندگی را فراگرفت و ضمن تحصیل به تاکسی راندن پرداخت - و در سال ۱۹۲۷ م. = ۱۳۰۶ ش. - در ۲۵ سالگی -

محصلین، در قسمت فلاح و جنگل و میاه [آبها] و قسمت مهندسی و معلمی فیزیک دعوت به عمل آورد که از محصلین اعزامی امتحان فیزیک و مکانیک به صورت شفاهی و عملی به عمل آورند. دکتر حسابی از ۱ مهر ۱۳۰۹ تا اسفند ۱۳۰۹ ش. با حقوق ۲۹۵ تومان - و پرداخت ده تومان اضافه که موکول به موافقت وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه بود به سمت معلمی فیزیک به استخدام مدرسه دارالمعلمین درآورد، همچنین از ۵ بهمن ۱۳۰۹ ش. نیز به تدریس فیزیک در مدرسه عالی طب و دواسازی پرداخت.

دکتر حسابی در سال ۱۳۱۰ ش. اولین دستگاه رادیولوژی را به کار انداخت و در همین سال ایستگاه هواشناسی را ایجاد کرد. در سال ۱۳۱۲ ش. به همراه برادرش (دکتر محمدحسابی) اولین بیمارستان خصوصی ایران «بیمارستان گوهرشاد» - نام مادر دکتر حسابی - را تأسیس کرد، همچنین در این سال از طرف علی اصغر حکمت - وزیر معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه وقت - مامور طرح ریزی قسمتهای علمی دانشگاه تهران شده، در سال ۱۳۱۳ ش. دانشکده فنی را تأسیس و تا سال ۱۳۱۵ ش. ریاست آن دانشکده را برعهده گرفت و از اسفند ۱۳۱۳ ش. به عضویت در شورای دانشگاه منصوب گردید. در سال تحصیلی ۱۴ - ۱۳۱۳ ش. با حقوق ماهیانه ۳۱۲۰ ریال هشت ساعت در هفته به تدریس فیزیک در دانشسرای عالی و دانشکده علوم و ادبیات پرداخت.

نظر به ماده ششم اساسنامه فرهنگستان ایران مصوب پنجم اردیبهشت ماه ۱۳۱۴ و به موجب تصویب نامه نمره ۱۷۲۷ - ۶ خرداد ۱۳۱۴ و پیشنهاد نمره ۱۳۶۶ / ۱۰۷۴۹ وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه از تاریخ ۱۲ خرداد ۱۳۱۴ به سمت عضو پیوسته فرهنگستان ایران منصوب و مخبر کمیسیون اصطلاحات علمی شد. وی در سال ۱۳۱۵ ش. از ریاست دانشکده فنی، دانشگاه تهران استعفا کرد. در سال تحصیلی ۱۷ - ۱۳۱۶ ش. در دانشکده فنی به تدریس الکتریسته و در دانشسرای عالی به تدریس فیزیک ادامه دادند. در سال ۱۳۲۱ ش. بنا به درخواست مصطفی عدل (منصورالسلطنه) وزیر وقت وزارت معارف، مامور تأسیس دانشکده علوم شد، پس از تأسیس از ۲۲ تیر ۱۳۲۱ تا سال ۱۳۲۷ ش. ریاست آن دانشکده را برعهده گرفت در ضمن به تدریس فیزیک در آن دانشکده پرداخت - کرسی این درس همچنان برعهده وی بود. در این سالها از سال ۱۳۱۵ ش. تا ۱۹ مرداد ۱۳۲۱ ش. عضو شورای عالی فرهنگ نیز بود.

دکتر حسابی در دوره اول مجلس سنا از ۲۰ بهمن ۱۳۲۸ تا ۴ دی ۱۳۳۰ ش. - که شغل دولتی قبول کرد - سناتور انتصابی از حوزه تهران بود. در این دوره از ۲۲ بهمن ۱۳۲۸ تا زمان استعفا عضو هیات رئیسه مجلس سنا و سمت منشی را داشت. [در انتخابات هیات رئیسه مجلس در ۳۰ بهمن ۱۳۲۸ و ۲۱ بهمن ۱۳۳۰ همچنان در این سمت ابقاء شد.] در این دوره در ۱۹ تیر ۱۳۲۹ ش. یکی از چهارده سناتور بود که به دولت رزم آرا رأی مخالف داده بود.

وی در جریان خلع ید دولت انگلیس از تأسیسات نفت ماموریت و شرکت مؤثری داشت و در دولت دکتر مصدق، از ۲۰ خرداد ۱۳۳۰ ش. نخستین رئیس هیات مدیره و مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران بود. بعد از آن در ترمیم کابینه دکتر مصدق از ۵ دی ۱۳۳۰ تا ۲۸ تیر ۱۳۳۱ ش. به جای دکتر کریم سنجابی وزیر فرهنگ شد. و در مدت کوتاه وزارتش مدارس عشایری را در سال ۱۳۳۰ ش. تأسیس و لایحه ملی کردن دبیرستانها را به تصویب مجلس رسانید.

دکتر حسابی پس از سقوط کابینه دکتر مصدق و تحولات سریع دیگر، هرگز دنباله خدمات عملی خویش را رها نکرد. در تأسیس نخستین رصدخانه تعقیب، ماهواره شیراز، پایه گذاری مرکز مخابرات اسدآباد همدان، تدوین و تنظیم قانون استاندارد و پایه گذاری موسسه ژئوفیزیک دانشگاه تهران شرکت مؤثری داشت. در دوره دوم مجلس سنا، از ۲۷ اسفند ۱۳۳۲ تا ۲۵ اسفند ۱۳۳۸ ش. در هر دو دوره سه ساله - سناتور انتصابی از حوزه تهران بود. از ۲۴ فروردین ۱۳۳۶ تا ۲۵ فروردین ۱۳۳۷ ش. عضو هیات رئیسه و سمت منشی مجلس را داشت. در این دوره در ۲۹ مهر ۱۳۳۳ ش. مجلس شورای ملی قرارداد منعقد بین دولت و کنسرسیوم را با ۱۱۳ رأی موافق و ۵ رأی مخالف تصویب کرد و در مجلس سنا نیز تعدادی از نمایندگان از جمله دکتر حسابی با تصویب این قرارداد مخالفت کرد. همچنین در دوره سوم مجلس سنا، از ۳ فروردین ۱۳۳۹ تا ۱۹ اردیبهشت ۱۳۴۰ ش. - که در این تاریخ به موجب فرمان شاه مجلسین شورای ملی و سنا منحل شدند - سناتور انتصابی از حوزه تهران بود. وی علاوه بر سمت سناتوری از سال ۱۳۳۰ تا سال ۱۳۳۶ ش. ضمن ریاست دانشکده علوم، دانشگاه تهران را برعهده داشت دکتر حسابی در تاریخ ۱۶ دی ۱۳۴۷ ش. بازنشسته و مجدداً از ۶ اسفند همان سال برای ادامه تدریس در دانشگاه تهران دعوت شد. همچنین از بدو تأسیس دانشگاه تا آخرین روزهای حیات در این دانشگاه به تدریس فیزیک ادامه داد. و به موجب مصوبه جلسه شورای عالی دانشگاه در ۲۶ اسفند ۱۳۴۹ ش. از ۱۵ فروردین سال ۱۳۵۰ به عنوان استاد ممتاز دانشگاه تهران و پایه گذار مرکز تحقیقات راکتور اتمی دانشگاه تهران؛ و سازمان انرژی اتمی بود. دکتر حسابی در سال ۱۳۶۶ ش. در کنگره ۶۰ سال فیزیک ایران به عنوان پدر فیزیک ایران ملقب گردید و در سال ۱۹۹۰ م = ۱۳۶۹ ش. از سوی جامعه علمی جهانی به عنوان «مرد اول علمی جهان» برگزیده شد. در سال ۱۳۷۰ ش. با تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی؛ به عضویت هیات امنای انجمن آثار و مفاخر فرهنگی درآمد.

دکتر حسابی در ساعت ۸/۵ صبح روز ۱۲ شهریور ۱۳۷۱ ش. هنگام معالجه بیماری قلبی در بیمارستان دانشگاه ژنو به درود حیات گفت. و او را در زادگاهش شهر تفرش به خاک سپردند.

## تالیفات دکتر حسابی:

### [کتابها]

- ۱- نامه‌های ایرانی، تهران شرکت چاپ علمی، ۱۳۱۹، ۷۲ ص.
- ۲- فیزیک دوره‌های متوسطه ۱۳۱۸ و جلد دوم در تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۸ ش. چاپ شده است.
- ۳- دیدگانی فیزیکی Physical Optics، گردآورنده: نزه حمزه و مهدی خاتمی، تهران: دانشگاه تهران (نشریه شماره ۷۲۴ دانشگاه): ۱۳۴۱ ش. : ۳۱۰ ص. [و در سال ۱۳۴۵، در ۲۵۶ صفحه چاپ شده است].
- ۴- نگره‌آهنربایی Electroinagnetic Theory، تهران: دانشگاه تهران ۱۳۴۵ ش.
- ۵- فیزیک حالت جامد Splid State Physics، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۸ ش.
- ۶- دیدگانی کوانتیک Quantum Optics، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۵۸ ش.
- ۷- فرهنگ واژگان انگلیسی به فارسی «فرهنگ حسابی»، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و دانشکده صنعتی امیرکبیر (واحد تفرش)، ۱۳۷۲ ش.

### [رساله‌ها و تحقیقات]

- ۱- رساله دکترا درباره حساسیت سلولهای فتوالکتریک، چاپ دانشگاه پاریس، ۱۹۲۷ م.
- ۲- تحقیقات درباره استنتاج ساختمان وزارت اصلی هسته اتم از نظریه نسبیت عمومی ایشترین، که با راهنمایی پرفسور اینشتین این تحقیق ادامه یافت، دانشگاه پرینستون، ۱۹۴۶ م.
- ۳- تحقیقات علمی در دانشگاه شیکاگو درباره انحراف شعاع نورانی در مجاورت ماده، ۱۹۴۸ م. [ادامه تحقیق نظری درباره نظریه فوق مربوط به ساختمان ذرات اصلی هسته اتم (دانشگاه تهران) و تحقیق آزمایشگاهی عبور در مجاورت ماده در دانشکده علوم، دانشگاه تهران و شیکاگو با عنوان همکاری تحقیقات Research Associate در اینستیتو علوم هسته‌ای شیکاگو، ۱۹۴۷ م.
- ۴- رساله درباره ماهیت ماده، از انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۲۵ ش.
- ۵- رساله درباره نظریه ذره‌های بی‌نهایت گسترده. دانشگاه تهران - ۱۳۵۶ ش.
- ۶- رساله راه ما Notre Vole، ۱۹۳۵ م. [این رساله در سال ۱۳۷۱ ش. به زبان فارسی نیز چاپ شده است.]

### [مقاله‌ها]

- ۱- فیزیک جدید و فلسفه ایران باستان، سخن فن و دانش، ۸ (۱۳۴۸ ش): ص ۴۱۰-۴۱۳.
- ۲- توانایی زبان فارسی، نشریه انجمن فرهنگ ایران باستان، ج ۹،

ش ۱ (۱۳۵۰ ش): ص ۱-۱۰.

۳- ذرات پیوسته، چاپ آکادمی علوم آمریکا، ۱۹۴۷ م.

۴- مدل ذره بی‌نهایت گسترده - دانشگاه تهران، ۱۹۷۷ م.

۵- مشکلی به نام مشکل راندگی در تهران، بیست و پنجمین سالنامه دنیا، ۱۳۴۸ ش، صص ۲۲۲-۲۲۳.

### [عضویت در انجمن‌های علمی، فرهنگی]

- ۱- عضو انجمن فیزیک اروپا
- ۲- عضو انجمن فیزیک آمریکا
- ۳- عضو انجمن فیزیک فرانسه
- ۴- عضو آکادمی علوم نیویورک
- ۵- عضو پیوسته فرهنگستان ایران از ۱۳۱۴
- ۶- عضو شورای دانشگاه از ۱۳۱۳
- ۷- عضو شورای عالی فرهنگ از ۱۳۳۱
- ۸- عضو انجمن اصطلاحات علمی از ۱۳۳۱
- ۹- عضو دائمی کنفرانس بین‌المللی اتم
- ۱۰- ریاست گروه ممالک جهان سوم و کنفرانس بین‌المللی فضا
- ۱۱- رئیس پژوهش فضایی ایران
- ۱۲- رئیس انجمن ژئوفیزیک ایران
- ۱۳- رئیس انجمن فیزیک ایران
- ۱۴- عضو هیأت امنای انجمن آثار و مفاخر فرهنگی - ۱۳۷۰ - با تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی
- ۱۵- عضو هیأت امنای مرکز تحقیقات بنیادی به پیشنهاد پروفیسور عبدالسلام، تربست - ایتالیا.

### [عضویت در کنفرانسهای علمی]

- ۱- عضو کنگره ریاضی داناتان اسلو در نوژ ۱۹۳۶
- ۲- عضو کنگره اتمی مسکو ۱۹۵۵
- ۳- شرکت در کنفرانسهای علمی و بازدید از مؤسسات تحقیقاتی به دعوت فرانسه در ۱۹۵۶
- ۴- عضو اولین کنفرانس اتمی ژنو ۱۹۶۸ - ۱۹۵۸
- ۵- افتتاح راکتور اتمی هندوستان ۱۹۶۰
- ۶- عضو کمیته علمی فضا در ژنو ۶۸ - ۱۹۶۲
- ۷- عضو کنفرانس اتمی وین ۱۹۶۶
- ۸- عضو کمیته علمی و فنی فضا - نیویورک ۱۹۶۷
- ۹- عضو کمیته علمی و فنی فضا - وین ۱۹۶۸
- ۱۰- شرکت در کنفرانس بزرگداشت علمای جهان

وزیر بهداشتی

دکتر، قاسم غنی

دکتر قاسم غنی فرزند میرزا عبدالغنی (از سادات عربشاهی) در سال ۱۳۱۰ ق = ۱۲۷۲ ش. در محله «گودانبار» سبزوار به دنیا آمد. شش ساله بود که او را به مکتبخانه فرستادند، تحصیلات مکتبخانه را ابتدا نزد زنی به نام «نه‌نه آقا» و بعد که منزلشان به جای دیگری انتقال پیدا کرد در مکتبخانه دیگری به تحصیل در نزد «دختر حاجی عرب» پرداخت. پس از آموختن قرآن و خواندن و نوشتن فارسی، مدتی نیز از شیخ عباس دامغانی و آقا شیخ عبدالعظیم اردبیلی که در سرای آقا مکتب داشته است، درس می‌گرفت. چندی هم نزد آقا روح‌الله خوشنویس معروف به «آقا روح» رفت و خوشنویسی آموخت. دوازده ساله بود که پدرش در راه سبزوار به تهران بر اثر بیماری وبا درگذشت، از آن پس دائش (عزیزالله خان خضرای) مراقبت و تربیتش را بر عهده گرفت. در آغاز استبداد صغیر وی را به تهران برد و در مدرسه دارالفنون به تحصیل علم واداشت. او از غلامحسین خان رهنما ریاضی، از مهندس الممالک هندسه و مثلثات و از ابوالحسن خان فروغی جغرافیا و تاریخ آموخت. قاسم ۵ سال در دارالفنون درس خواند و در سال ۱۲۹۲ ش = ۱۳۳۱ ق برای ادامه تحصیل راهی بیروت شد. مدت دو سال در دانشکده «سن ژوزف» به تحصیل زبان فرانسه پرداخت، و پس از گذراندن مسابقه وارد دانشکده پزشکی دانشگاه مذکور گردید. وی در سالهای اول دانشکده بود که به واسطه جنگ جهانی اول (۱۹۱۴ - ۱۹۱۸ م) دانشگاه فرانسوی «سن ژوزف» تعطیل و قاسم خان تحصیلات خود پس از فراگیری زبان انگلیسی، با همکاری دکتر هوارد پلیس - رئیس دانشگاه آمریکای بیروت - در آن دانشگاه دنبال کرد و در طی ۵ سال دانشکده طب را به پایان رسانید، در ماه ژوئن ۱۹۱۹ م = تیر ماه ۱۲۹۸ ش. دکتر گرفت. در این مدت فرصتی به دست آمد که زبان عربی را به خوبی تحصیل کند و از ادبیات آن زبان به نحو شایسته‌ای استفاده نماید، و گذشته از این که در رشته طب تخصص داشت، از عرفان و تحقیقات در این زمینه نیز بهره‌مند بود. دکتر غنی در اواخر سال ۱۲۹۹ ش. به ایران بازگشت و به موطن خود سبزوار رفت، در آن شهر قریب به سه سال به طبابت مشغول شد او در این مدت به یاری سالار حشمت - حاکم سبزوار - بیمارستانی دایر کرد که «حشمتیه» نام گرفت پس از آن برای تکمیل تحصیلات خود در رشته تخصصی، به فرانسه رفت و به مدت دو سال در آن جا به تحصیل پرداخت. در پاریس گذشته از تعقیب دانش

پزشکی، کلاس مخصوص راجع به شناخت و انتقاد نقاشی دید و با مطالعات وسیع خود در تاریخ نقاشی و نقد آثار هنرمندان در این رشته صاحب نظر شد. دکتر غنی در آذر ماه ۱۳۰۷ ش. به ایران بازگشت و به سبزوار رفت، اما پس از مدتی چون جد مادریش بهایی مذهب بود. دکتر غنی را نیز به بهایی‌گری متهم کردند و کار او پیش از این که به وخامت گراید، به کمک آقامیرزا حسین عربشاهی از روحانیون متنفذ سبزوار، دسیسه خاموش و دکتر غنی از خطر نجات یافت. او در سال ۱۳۰۹ ش. از سبزوار به مشهد رفته به طبابت پرداخت ترجمه و طبع دو داستان معروف فرانسه «آنا تول فرانس» به نام داستان «طائس» و عصیان فرشتگان را از زبان فرانسه به فارسی ترجمه و به اضافه حواشی و توضیحات آن پرداخت. دکتر غنی پس از آن که به مشهد رفت از سال ۱۳۱۴ ش. به نمایندگی مجلس انتخاب شد، او در دوره دهم مجلس شورای ملی از ۱۵ خرداد ۱۳۱۴ تا ۲۲ خرداد ۱۳۱۶ ش. نماینده مشهد بود، و در زمان نمایندگی از ۸ مهر ۱۳۱۵ ش. نظر به پیشنهاد شماره ۱۲۰/۴۰۶۵۶۴ وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه و به موجب ماده ششم اساسنامه فرهنگستان ایران و موافق وزارت معارف به عضویت پیوسته فرهنگستان ایران انتخاب شد و منشی کمیسیون پزشکی و در این زمان عضو کمیسیون فرهنگستان مصر نیز بود. همچنین در سال تحصیلی ۱۷ - ۱۳۱۶ در موسسه وعظ و خطابه به تدریس درس روانشناسی و در دانشکده طب به تدریس امراض عقلیه پرداخت. وی در دوره یازدهم نیز از ۲۰ شهریور ۱۳۱۶ تا ۲۷ شهریور ۱۳۱۸ ش. از حوزه مشهد به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شد. مقارن این احوال گذشته از آن که طبابت می‌کرد، در سال ۱۳۱۶ عضو انجمن مشاوره علمی موسسه مردم‌شناسی نیز بود و همان طور که گفته شد به عنوان استاد دانشکده طب انتخاب شد. و به تدریس بیماریهای عصبی پرداخت. به دنبال آن به تعلیم تاریخ طب و بحث در تاریخ و تکامل طب و علم اخلاق پزشکی اشتغال ورزید، و مدت دو سال نیز در دانشکده معقول و منقول به تدریس علم‌النفوس مشغول بود. در این دوره از نمایندگی مجلس در ۵ اسفند ۱۳۱۷ ش. به همراه محمدرضا پهلوی ولیعهد برای ازدواج او با فوزیه به همراه هیأتی متشکل از حسن اسفندیاری رئیس مجلس شورای ملی، دکتر احمدمتین‌دقتری وزیر دادگستری، مظفر اعلم وزیر امور خارجه، محمدعلی مقدم مدیر کل وزارت خارجه، عباس مسعودی نماینده مجلس و مدیر روزنامه اطلاعات همراه ولیعهد به مصر رفت. غنی در دوره دوازدهم مجلس از ۳ آبان ۱۳۱۸ تا ۹ آبان ۱۳۲۰ ش. از حوزه مشهد به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شد. وی در سال ۱۳۱۹ ش. در اداره کل انتشارات عضویت داشت. در دوره سیزدهم مجلس از ۲۲ آبان ۱۳۲۰ تا ۱ آذر ۱۳۲۲ ش. نماینده مشهد در مجلس شورای ملی بود. و بعد وزیر و سفیر شد. او در اواخر سال ۱۳۲۳ ش. در کابینه علی سهیلی برای تصدی وزارت بهداشتی به مجلس معرفی شده بود استعفا کرد، و پس از آن که محمدساعده مراغه‌ای مأمور تشکیل



کابینه شد وی از روز شنبه ۸ فروردین ۱۳۲۳ تا ۱۷ فروردین ۱۳۲۳ ش. وزیر بهداشتی در کابینه ساعد بود. - کابینه در ۲۹ اسفند ۱۳۲۳ به شاه معرفی شد - و در ترمیم کابینه ساعد از ۱۷ فروردین ۱۳۲۳ ش. تا ۷ اردیبهشت ۱۳۲۳ ش. وزیر فرهنگ بود که به علت بیماری کبد از کابینه استعفا کرد و تا تعیین وزیر کفالت وزارتخانه، محمد وحید معاون وزارتخانه عهده‌دار این پست شد. وی در یکشنبه ۲۶ فروردین ۱۳۲۴ = ۱۵ آوریل ۱۹۴۵ م عضو هیأت نمایندگی ایران برای شرکت در کنفرانسی که متفقین جهت مذاکره درباره تنظیم اساسنامه سازمان ملل تشکیل داده بودند به همراه دیگر اعضا اللهیار صالح، مصطفی عدل وزیر دادگستری - سرلشکر علی ریاضی، انتظام، دکتر صادق رضازاده شفق، دکتر جلال عبده، دکتر عبدالحسین اعتبار به سانفرانسیسکو رفت، و او بعد از سه ماه در شهریور / ۱۳۲۶ ش. به تهران آمد و بعد از آذر ۱۳۲۶ ش. نماینده ایران در کمیسیون حقوق بشر شد، از آن پس از مهر ۱۳۲۶ تا آبان ۱۳۲۷ ش. سفیر ایران در مصر و از بهمن ۱۳۲۷ تا آذر ۱۳۲۸ ش. سفیر ایران در ترکیه بود و مدتی نماینده ایران در کنگره بین‌المللی صلیب سرخ نیز بود. بعد از آن به مدت سه سال در آمریکا بود و در این مدت مسافرت‌هایی به تمامی کشورهای قاره آمریکا داشت. که در هنگام عبور از سرحد مکزیک در اثر حادثه اتومبیل، استخوان ران چپش شکست. غنی در فروردین ۱۳۳۱ ش. در ایالت کالیفرنیا در یکی از بیمارستانهای شهر آکلند نزدیک سانفرانسیسکو هنگام نیمه شب جان سپرد و در همان جا به خاک سپرده شد.

### تالیفات دکتر غنی: کتابها:

- ۱ - حافظ شیرازی، شمس‌الدین محمد (متوفی ۷۹۱ ه. ق.)، دیوان خواجه شمس‌الدین محمد حافظ شیرازی از روی نسخه تصحیح شده محمدقزوینی و قاسم غنی، تهران: انتشارات علی‌اکبر علمی، ۱۳۴۳ ش، ۳۶۱ ص.
- ۲ - خیام نیشابوری، ابوالفتح عمر بن ابراهیم (متوفی ۵۷۱ ه. ق.)، رباعیات خیام، با مقدمه و حواشی محمدعلی فروغی [و] قاسم غنی، چاپ دوم، تهران: انتشارات زوار، ۱۳۴۰ ش، ۲۴۸ ص.
- ۳ - بحث در افکار و آثار و احوال حافظ (۲ جلدی)، جلد دوم، (تاریخ تصوف در اسلام)، چاپ دوم، تهران: انتشارات زوار، ۱۳۴۰ ش، ۸۹۴ ص.
- ۴ - کتاب علم‌النفس (موضوع درس و کنفرانس‌های او در دانشکده معقول و منقول بود)
- ۵ - تاریخ و علم‌الاخلاق پزشکی (که در دانشکده پزشکی تدریس کرده است)
- ۶ - رساله ابوعلی سینا
- ۷ - شرح حال میرزاتقی‌خان امیرکبیر (هنوز چاپ نشده)
- ۸ - تصحیح تاریخ بیهقی با همکاری آقای فیاض

۹ - بحثی در تصوف، چاپ دوم، تهران: ابن‌سینا، ۱۳۴۰ ش، ۲۴۲ ص.

- ۱۰ - یادداشتهای دکتر قاسم غنی، نه جلد - لندن، ۸۲ - ۱۹۸۰ م. (۶۱ - ۱۳۵۹ ش.) خاطرات دکتر قاسم غنی با مقدمه محمدابراهیم باستانی پاریزی تهران، کاوش، ۱۳۶۱ + ۳۸ + ۲۷۷ ص
- جلد اول، بیان سرگذشت خود اوست که از تولدش در سبزوار، زندگی خانوادگی، اوضاع اجتماعی شهر سبزوار، تحصیلاتش در تهران و بیروت، بازگشت به سبزوار و طبابتش در آن شهر سخن گفته است. این جلد صورت یادداشت روزانه ندارد، بلکه خاطرات است که دنبال هم نوشته شده است.
- جلد دوم، یادداشت‌های روزانه سفر اوست به آمریکا در سالهای ۱۳۲۴ تا ۱۳۲۶ ش.
- جلد سوم، یادداشت‌های روزانه مأموریت سفارت او در ترکیه است که از ۱۵ دی ۱۳۲۷ تا ۱۳ آبان ۱۳۲۸.
- جلد چهارم، «محدود به نوشته‌های اوست در ماههای خرداد و تیر و روزهای اول و دوم مرداد ماه ۱۳۲۳ ش.»
- جلد پنجم، «نامه‌های کمال‌الملک غفاری و محمد قزوینی» است به غنی
- جلد ششم، «تطبیق ترجمه گرترویدل از برخی از اشعار حافظ با متن اصلی»

جلد هفتم، صورت تلگرافها و گزارش‌هایی است که او در مدت مأموریت سفارت مصر به تهران فرستاده است، ص ۳۸

جلد هشتم، یادداشتهای روزانه دکتر غنی در دوران سفارت مصر او (از ۶ مهر ۱۳۲۶ تا ۱۵ بهمن ۱۳۲۷) بود به کوشش دکتر محمدعلی صوتی و با مقدمه باستانی‌پاریزی در تهران منتشر شده، بود. همین یادداشتهای سفارت مصر با عنوان جلد هشتم یادداشتهای توسط سیروس غنی همراه با مقدمه‌ای به چاپ رسیده است.

جلد نهم، که مفصل‌ترین مجلدات است توسط محمدجعفر محجوب تصحیح شده و همراه با مقدمه‌ای به همت سیروس غنی به چاپ رسیده است. این مجلد خود به چند بخش تقسیم شده است. بخش اول مقالات دکتر غنی است. مقاله‌ای تحت عنوان «ابن سینا و دکارت» و رساله‌ای درباره «چگونگی آموزش و پرورش در ایران عهد مغولی» یادداشتهایی درباره «آیین فتوت»، مقاله‌ای به نام «خدمت ایرانیان به تمدن عالم» مقاله دیگری به نام «مرگ بدون رنج» (Euthanasia) یادداشتی مربوط به ادبیات ایران قبل از عصر حافظ، یادداشتهایی درباره میرزاابوالقاسم قائم مقام و قتل او، گوته و دیوان شرقی او، مدرسه دارالفنون، کرمان - انحطاط مستمر آن در شش قرن اخیر، مرحوم حاج فاضل مجتهد خراسانی، و چندین یادداشت کوتاه و پراکنده دیگر محتویات بخش اول را تشکیل می‌دهد.

بخش دوم و سوم که در واقع یادداشتهای خود غنی نیست بلکه نامه‌های رجال دوران قاجار و معاصران است.

در بخش چهارم تحت عنوان مطایبات تعداد ۱۲۶ لطیفه و حکایت که بسیاری از آنها از عبید زاکانی اقتباس شده است درج گردیده.

بخش پنجم سه نامه از دکتر غنی

بخش ششم مستدرکات است که خود مشتمل بر دو قسمت است: قسمت اول چهار نوشته درباره مرحوم کمال‌الملک و قسمت دوم سه نامه از علامه قزوینی است.

(جلد هشتم و نهم یادداشتهای مانند مجلدات دیگر با ماشین تحریر تایپ و عیناً افست شده است)

۱۱ - ناصر خسرو قبادیانی مروزی، ابومعین ناصر بن حارث (متوفی ۴۸۱ ه. ق). سفرنامه ناصر خسرو، با مقدمه قاسم غنی، تهران: انتشارات محمدی، ۱۳۳۹ ش. ۱۴۴ + ۳۶ + ۱۸ ص.

۱۲ - بحثی درباره سیاست، [تهران، مجله یغما، بی تا]، ۳۷ ص.

#### [مقاله‌ها:]

۱ - آناتول فرانس: یادگار، سال اول، شماره نخستین (شهریور ۱۳۲۳)، ص ۶۱ - ۸۰.

۲ - آناتول فرانس: یادگار، سال اول، شماره دوم (مهر ۱۳۲۳)، ص ۴۵ - ۳۷.

۳ - شرح حال ملاهادی سبزواری، یادگار، سال اول، شماره سوم (آبان ۱۳۲۳)، ص ۴۳ - ۴۸.

۴ - تاریخ مختصر طب اسلامی، یادگار، سال اول، شماره چهارم (آذر ۱۳۲۳)، ص ۹ - ۲۴.

۵ - تاریخ مختصر طب اسلامی، یادگار، سال اول، شماره پنجم (دی ۱۳۲۳)، ص ۱۳ - ۲۷.

۶ - طب اسلامی، ایران امروز، یادگار، سال اول، شماره ششم (بهمن ۱۳۲۳)، ص ۱۹ - ۳۱.

۷ - خطابه بوفن، یادگار، سال اول، شماره هفتم (اسفند ۱۳۲۳)، ص ۶۲ - ۷۴.

۸ - اصلاح‌نژاد، یادگار، سال اول، شماره هشتم (فروردین ۱۳۲۴)، ص ۸ - ۲۶.

۹ - احوال مرحوم اسفندیاری، یادگار، سال اول، شماره هشتم (فروردین ۱۳۲۴)، ص ۷۲ - ۸۰.

۱۰ - اصلاح‌نژاد، یادگار، سال اول، شماره نهم (اردیبهشت ۱۳۲۴)، ص ۱۲ - ۲۷.

۱۱ - آفات اجتماعی، یادگار، سال اول، شماره دهم (خرداد ۱۳۲۴)، ص ۵ - ۱۸.

۱۲ - خطابه بوفن، یادگار، سال دوم، شماره چهارم (آذر ۱۳۲۴)، ص ۶۲ - ۷۴.

۱۳ - پرفسور نالدالین نیکسن، نامه فرهنگستان، ج ۲، ص ۲، ص ۶ - ۱۲.

۱۴ - میرزا محمدخان غفاری کمال‌الملک، کشکول جمالی، ج ۱، تهران: (۱۳۳۹)، ص ۱۴۶ - ۱۵۵.

۱۵ - کمال‌الملک<sup>(۱)</sup>، یغما، سال سوم، شماره هشتم (آبان ۱۳۲۹)، ص ۳۳۸ - ۳۴۲.

۱۶ - کمال‌الملک<sup>(۲)</sup>، یغما، سال سوم، شماره نهم (آذر ۱۳۲۹)، ص ۳۶۱ - ۳۶۵.

۱۷ - دوره‌های هنر نقاشی، یغما، سال سوم، شماره دهم (دی ۱۳۲۹)، ص ۴۴۴ - ۴۴۵.

۱۸ - در احوال و اخلاق مرحوم قزوینی، یغما، سال چهارم، شماره اول (فروردین ۱۳۳۰)، ص ۳۴ - ۴۵.

۱۹ - تیمورتاش و شیخ‌الرئیس افسر<sup>(۱)</sup>، آینده، سال هفتم، شماره نهم (۱۳۶۰)، ص ۷۳۹ - ۷۴۵.

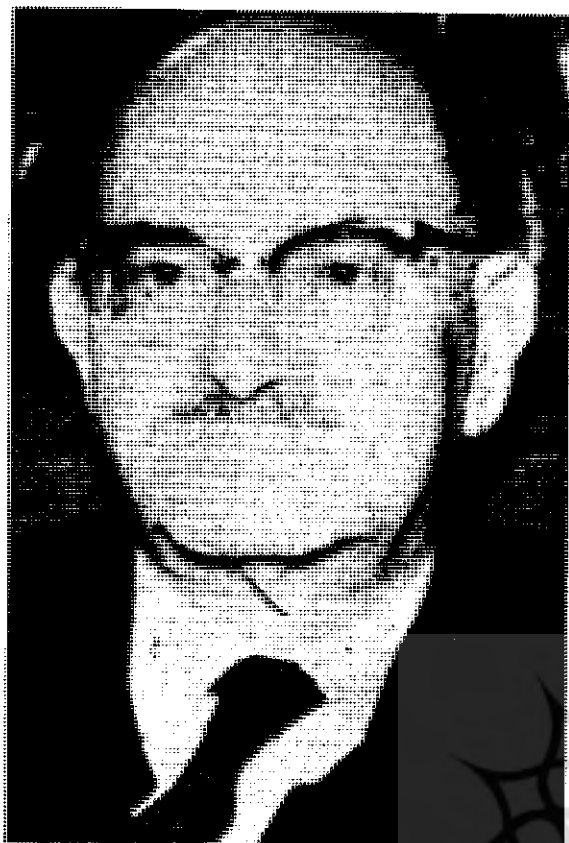
۲۰ - تیمورتاش و شیخ‌الرئیس افسر<sup>(۲)</sup>، آینده، سال هفتم، شماره یازده و دوازدهم (۱۳۶۰)، ص ۸۸۰ - ۸۸۵.

۲۱ - فتح‌الله‌خان شیبانی، آینده، سال سوم، ص ۳۰ - ۳۷.

#### ۱۳۳ - مالک، سعید [لقمان‌الملک - دکتر]

دکتر سعیدمالک فرزند عیسی (سعیدالدوله) به سال ۱۲۶۷ ش. در شهر تبریز به دنیا آمد. وی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در

وزیر بهداشت  
دکتر سید علی حسینی

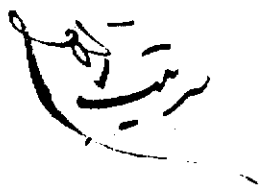


مدرسه لقمایه تبریز و لازاریست (مدرسه فرانسوی در تبریز) به پایان رساند. سپس به اروپا رفته و تحصیلات عالی را در رشته طب در دانشکده پزشکی پاریس؛ از سال ۱۹۰۶ = ۱۲۸۵ ش. در قسمت جراحی در دانشگاههای فرانسه آغاز کرد، و به مدارج تحصیلی عالی رسید. او در ابتدا به عنوان شاگرد مبتدی بیمارستان پیتیه و هتل دو پاریس در سرویس جراحی پرفسور آکرژه و والتر و پرفسور اردو (جراح بیمارستان) و دکتر بلن؛ دوره کارآموزی را در بیمارستانهای هتل دیو و لاریبوازیر در سرویس جراحی پرفسور ندادنتو و سرویس طبی پرفسور لونوا گذراند. در سال ۱۹۰۸ م = ۱۲۸۷ ش. در مسابقه اکسترنای از بین هفتصد نفر داوطلب شاگرد پذیرفته شد (Agregtigon مدرک دکترای جهت تدریس در موسسات آموزشی) بعد استاژی Stagiaire (کارآموز) بیمارستان هتل دیو در سرویس جراحی پرفسور لذانتو پذیرفته شد. سپس در سرویس جراحی اطفال بیمارستان تروسو سرویس جراحی پرفسور آکرژه ریفل و سرویس جراحی بیمارستان سن لویی، سرویس جراحی پرفسور لوتنه آکرژه و سرویسهای طبی، میزه راه پرفسور آکرژه ماریون، بیمارستان لاریبوازیر، و سرویس چشم پزشکی دکتر بولارد بیمارستان بوژون دوره چهار ساله اکسترنای external (دستیاری) را انجام داد. و پس از گذشتن امتحان او سستولژی Osteologie (استخوان شناسی)، با نمره ممتاز یک گذراند، در سال ۱۹۱۲ م = ۱۲۹۱ ش. تحصیلات خود را به پایان رسانید، پایان نامه خود را در باب «مسمومیت چشم در نتیجه افراط در استعمال الکل و توتون» تدوین و به تصویب رساند و پس از گرفتن دکترا از دانشکده طب پاریس و شرکت در کنفرانس بین المللی سرطان پاریس به عنوان نماینده ایران - به کشور بازگشت. مدتی در سلک نظامیان وارد و بعد از مدتی به واسطه دیسپلین سخت نظامی مستعفی و به طبابت اکتفا کرد و از این راه ممتول شده و احتیاج به خدمت دولتی حاصل نکرد. وی در سال ۱۲۹۱ ش به استخدام ژاندارمری دولتی درآمد در همین سال به درجه سلطان (سروان) طبیب ارتقاء یافت و از سال ۱۲۹۳ ش به مدت ۷ سال جراح بیمارستان نظامی احمدیه بود. در سال ۱۲۹۷ ش. به درجه نایب سرهنگ (سرهنگ یار) طبیب ارتقاء یافت. در سال ۱۳۳۵ ق = ۱۲۹۸ ش. به موجب حکم وزارتی به سمت معلم امراض مجاری بول و امراض نسوان، پس به معاونت صحیه کل ژاندارمری و بعد به ریاست این اداره منصوب شد. در سال ۱۳۰۰ ش. به عنوان نماینده اول ایران در مجمع بین المللی

جلوگیری از سل (لندن) شرکت داشت، در همین سال وابسته سفارت ایران در پاریس شد و به عنوان نماینده ایران در دو مجمع بین المللی لوزان برای جلوگیری از شیوع الکولیسیم و حفظالصحیه عمومی، پاریس شرکت داشت. همچنین در این مأموریت به درجه سرهنگی و در سال ۱۳۰۱ به رتبه سرتیپی ارتقاء و به ریاست صحیه کل قشون و معلم حفظالصحیه در مدرسه نظام منصوب شد. در سال ۱۳۰۲ ش. جراح بیمارستان دولتی و در سال ۱۳۰۴ ش. موقتاً به تدریس درس قابلگی در مدرسه طب پرداخت. از ۱۳ اسفند ۱۳۰۶ به موجب فرمان شاه تا اوایل سال ۱۳۱۰ ش. به سمت معاون فنی وزارت داخله و ریاست کل صحیه مملکتی منصوب شد. در این اثنا از ۱۸ شهریور ۱۳۰۷ ش. تصدی کلینیک امراض و مجاری بول و امراض نسوان را نیز به عهده داشت. - در سمت ریاست صحیه کل مملکتی در ۱۸ خرداد ۱۳۰۸ ش. لایحه اجباری بودن آبله کوبی را تسلیم مجلس کرد. از ۲۸ اردیبهشت ۱۳۱۴ ش. به موجب فرمان شاه، به عضویت رسمی شورای عالی فرهنگ منصوب شد. در سال تحصیلی ۱۷ - ۱۳۱۶ ش. طبق حکم وزارتی در ۱۸ اردیبهشت ۱۳۱۷ به تدریس امراض مجاری بول در دانشکده طب، چهار ساعت در هفته در کلینیک به تدریس پرداخت ۱۰ شهریور ۱۳۱۹ ش. به ریاست کلینیک بیمارهای میزه راه و از ۳۱ شهریور همین سال به موجب پیشنهاد رئیس دانشکده پزشکی و حکم وزارتی



## ۱۳۴ - یزدان پناه، مرتضی [سپهد]



سپهد مرتضی یزدان پناه فرزند علی اکبر (که صاحب یک دکه در سردشت بود) در سال ۱۲۷۳ ش. در تهران متولد شد. مرتضی خان پس از طی دوره تحصیلات ابتدایی در سال ۱۲۸۶ ش. وارد مدرسه قزاقخانه شد. و به فراگرفتن فنون نظامی پرداخت. او خدمت خود را با فرماندهی دسته، گروهان چهارم؛ گردان کادر تیرانداز در دیزبون قزاق در سال ۱۲۹۱ ش. شروع کرد، و در سال ۱۲۹۳ ش. فرمانده دسته آموزشگاه گروهانی پیاده دیزبون قزاق و در سال ۱۲۹۴ ش. فرمانده گروهان مسلسل آتریاد تهران دیزبون قزاق، در سال ۱۲۹۶ ش. فرمانده گروهان مسلسل آتریاد تهران در سال ۱۲۹۷ ش. فرمانده گردان پیاده هنگ کادر تیرانداز آتریاد تهران در ۱۲۹۹ ش. فرمانده تیپ کادر تیرانداز آتریاد تهران بود. در هنگام قیام میرزا کوچک خان به گیلان رفت. او در همه دوران خدمت از دوستان صمیمی رضاخان بود، از این رو در ۲۵ بهمن ۱۲۹۹ ش. قوای تحت فرماندهی خود - فوج پیاده تهران که متشکل از یک هنگ پیاده و شش گروهان بود به همراه یک هنگ سواره تحت فرماندهی امیراحمدی و یک آتشبار دو گروهانی تحت فرماندهی جان محمدخان و یک آتشبار دیگر که جمعا کمتر از ۱۵۰۰ نفر بودند، به فرماندهی رضاخان به طرف تهران حرکت کرد، و در کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ ش. شرکت جست، به هر یک از افسرانی که در کودتا شرکت داشتند یک درجه داده شد، و مرتضی خان نیز به درجه سرتیپی ارتقاء یافت. در سال ۱۳۰۰ ش. پس از کودتا قرار شد تشکیلات قزاقخانه توسعه یابد، آتریاد به هم خورد، فوج پیاده مبدل به تیپ پیاده شد و او به فرماندهی تیپ کادر پیاده لشکر مرکز منصوب شد. مرتضی خان در ۲۸ تیر ۱۳۰۳ ش. حاکم نظامی تهران و توابع شد و در زمان غیبت وزیر جنگ موقت، ریاست پادگان مرکز را نیز عهده دار شد، همچنین او در این سال با حفظ سمت حکومت نظامی به فرماندهی لشکر مرکز منصوب شد. در این زمان مجلس موسسان در روز یکشنبه ۱۵ آذر ۱۳۰۴ ش. افتتاح و در ساعت یک بعد از ظهر قوای نظامی در معبر، از در منزل سردار سپه - رئیس موقتی مملکت - تا در وزارت فواید عامه به ترتیبی که وزارت جنگ معین کرد و گارد مخصوص و شاگردان ارشد مدارس نظام در باغ وزارت فواید عامه که داخل مجلس می شد، صف کشیدند که تعدادی از امرای نظامی امنیه و نظمیه، از جمله یزدان پناه فرمانده

استاد کرسی بیماری های میز راه، دانشکده پزشکی به وی واگذار و تدریس علمی و عملی این بیماریها را در دانشکده پزشکی و بیمارستانهای دولتی تا سال ۱۳۲۸ ش. به وی واگذار گردید. - متجاوز از ۲۶ سال از تاریخ ۱۳۳۵ ق - تا سال ۱۳۳۰ ش. به مدتهای مسیدی نایب رئیس جمعیت شیروخورشید سرخ بود. و در کابینه های ذیل پست وزارت داشت.

دکتر مالک از پنجشنبه ۱۳۲۲/۱/۱۷ تا شنبه ۴ شهریور ۱۳۲۳ ش. وزیر بهداری در کابینه محمدساعتد مراغه ای، از شنبه ۴ آذر ۱۳۲۳ تا سه شنبه ۲۸ فروردین ۱۳۲۴ ش. وزیر بهداری در کابینه مرتضی قلی بیات، از سه شنبه ۲۳ خرداد تا یکشنبه ۲۹ مهر ۱۳۲۴ ش. وزیر بهداری در کابینه محسن صدر، از شنبه ۱۰ آبان ۱۳۲۴ تا دوشنبه اول بهمن ۱۳۲۴ ش. وزیر بهداری در کابینه ابراهیم حکیمی همچنین از ۱۳۲۶ تا سه شنبه ۱۸ خرداد ۱۳۲۷ در کابینه ابراهیم حکیمی وزیر بهداری بود و در سال ۱۳۲۶ ش. به موجب حکم وزارتی، مأمور تدوین برنامه ۷ ساله بهداشت کشور شد. سپس در دوره های اول تا پنجم سناتور بود. در دوره اول از ۲۰ بهمن ۱۳۲۸ تا ۲۸ آبان ۱۳۳۲ ش. - که به موجب فرمان شاه مجلسین شورای ملی و سنا منحل شدند - سناتور انتخابی از حوزه تهران بود. در این دوره از ۲۱ فروردین ۱۳۳۱ تا ۲۸ آبان ۱۳۳۲ ش. نایب رئیس مجلس سنا بود. در دوره دوم مجلس سنا، از ۲۷ اسفند ۱۳۳۲ تا ۲۵ اسفند ۱۳۲۸ ش. سناتور انتخابی از حوزه تهران بود. در دوره دوم از ۲۹ فروردین ۱۳۳۳ ش. تا آخر دوره نایب رئیس مجلس سنا بود. [ در انتخابات هیأت مدیره مجلس در تاریخ های ۲۱ فروردین ۱۳۳۴، ۲۱ فروردین ۱۳۳۵، ۲۴ فروردین ۱۳۳۶، ۲۵ فروردین ۱۳۳۷، ۲۱ فروردین ۱۳۳۸ ش. همچنان در این سمت ابقاء شد. ] در دوره سوم از ۳ فروردین ۱۳۳۹ تا ۱۹ اردیبهشت ۱۳۴۰ ش. که در این تاریخ به موجب فرمان شاه مجلسین منحل شدند - سناتور انتخابی از حوزه تهران بود.

در دوره سوم از ۲۱ فروردین ۱۳۳۹ [ و در انتخابات هیأت مدیره در ۲۱ فروردین ۱۳۴۰ ش. به سمت نیابت مجلس سنا ابقاء شد. ]

در دوره چهارم از ۱۴ مهر ۱۳۴۲ تا ۱۲ مهر ۱۳۴۶ ش. سناتور انتخابی از تهران بود. در این دوره از ۱۴ مهر ۱۳۴۲ تا ۲۱ مهر ۱۳۴۲ ش. رئیس سنی مجلس سنا بود.

در دوره پنجم از ۱۴ مهر ۱۳۴۶ تا ۹ شهریور ۱۳۵۰ ش. - که به موجب فرمان شاه در ۲۴ مرداد ۱۳۵۰ ش. مجلسین منحل شدند - سناتور انتخابی تهران بود. در این دوره از ۱۴ مهر ۱۳۴۶ تا ۲۲ مهر ۱۳۴۶ ش. رئیس سنی مجلس سنا بود.

دکتر سعید مالک در سال ۱۳۴۹ ش. درگذشت.



وزیر جنگ - سپهبد یزدان پناه

وزیر جنگ - سپهبد یزدان پناه

۱۳۰۸

لشکر مرکز از همراهان سردار سپه به مجلس موسسان رفت - سپس مجلس موسسان در ۲۲ آذر طی پنج جلسه اصول ۳۶ و ۳۷ و ۳۸ و ۴۰ متمم قانون اساسی را تغییر داد به موجب این اصلاح سلطنت دائمی ایران به رضاخان پهلوی و اعقاب وی واگذار شد - سپس او در روز شنبه ۹ آبان ۱۳۰۴ ش. به همراه امیرلشکر عبدالله خان امیرطهماسبی حاکم نظامی تهران - سرهنگ بوذرجمهری کفیل بلدی (شهرداری) تهران و رئیس نقلیه قشون، سرهنگ درگاهی رئیس نظمی (شهرداری) مأمور تحویل گرفتن قصرهای سلطنتی و اخراج محمدحسین میرزا - ولیعهد از ایران شدند.

سرتیپ یزدان پناه در ۲۹ آذر ۱۳۰۴ ش. به سمت ژنرال آجودان شاه تعیین شد. همچنین در این سال متصدی امور قورخانه و مهمات ارتش نیز بود. او در شهریور ۱۳۰۵ ش. چندی مورد سوءظن واقع، و مدت کوتاهی زندانی شد. سپهبد امیراحمدی در خاطرات خود درباره اخراج یزدان پناه و امیرطهماسبی و جان محمدخان سه تن از فرماندهان ارتش می نویسد «[شاه] پس از تمجیدی که از کارهای من کردند گفتند: ممکن است که همراهان من سعایت کنند و دلسرد نمایند و بگویند که من به امیرطهماسبی و مرتضی خان متغیر شده و حبسشان کرده‌ام و جان محمدخان را اخراج نمودم و شما نیز به سرنوشت آنها دچار خواهید شد ولی طهماسبی و مرتضی خان و جان محمدخان دست به کارهایی زده‌اند که نمی‌توان اغماض کرد. یکی مبلغ هنگفتی از بودجه لشکر دزدیده، و دیگری به کارهای ناشایست دست زده، پیش رمال و فالگیر رفته که بسپند به سلطنت خواهد رسید یا نه، و از همه بدتر جان محمدخان که جز اموال لشکر و مردم، به اموال حضرت امام رضا نیز دست اندازی کرده است.

یزدان پناه پس از آزادی از زندان، در پاییز سال ۱۳۰۷ ش. به سمت ریاست اداره تفتیش نظام منصوب شد و بعد از مدتی در

همین سال به عضویت شورای عالی ارتش درآمد. وی با حفظ سمت ریاست اداره تفتیش نظام، از ۲۹ خرداد ۱۳۰۸ تا ۲۴ فروردین ۱۳۰۹ ش. رئیس امنیه کل مملکتی نیز بود. بعد از آن رئیس کل اداره تفتیش نظام شد در مهر و آبان ۱۳۰۹ ش. که سمت رئیس کل تفتیش بود به همراه سرلشکر شیبانی رئیس شورای نظام، هر دو اداره آنان منحل و هر دو آقایان منتظر خدمت شدند. پس از اخراج در سال ۱۳۰۹ تا سال ۱۳۱۲ ش. دیگر کار فرماندهی نداشت. در سال ۱۳۱۰ ش. به کار دعوت و مفتش (بازرس) بعد رئیس اداره پیاده نظام شد. در سال ۱۳۱۱ ش. هنگامی که سرهنگ رزم‌آرا فرمانده فوج لرستان شده بود، چند بار ایلات و طوایف لرزد و خوردهایی داشتند که در این میان هم نتیجه‌ای به دست نمی‌آورد و هر دفعه لرها جری‌تر می‌شوند تا در جنگ گردند «پونه» یک گروهان نظامی به دست لرها اسیر و خلع سلاح شدند و سروان شاپور دادستان را، که فرمانده گروهان بود قطعه‌قطعه می‌کنند، چند توپ و مسلسل به دست طوایف لر می‌افتد این زرد خوردها که منجر به پیروزی لرها شده بود، سایرین را بیشتر تحریض می‌کرد، که بر ضد نیروهای دولتی قیام کنند. شاه سرتیپ یزدان پناه را به لرستان فرستاد که سرهنگ رزم‌آرا زیر نظر او به قلع و قمع الوار پردازد و در مسافرتی که شاه به لرستان داشت. چون کاری از پیش نرفت مجدداً سپهبد امیراحمدی به جای وی منصوب شد. در اول فروردین ۱۳۱۲ ش.

به همراه عده‌ای از صاحب‌منصبان ارتش ترفیع درجه گرفت و به درجه امیرلشکری ارتقاء مقام پیدا کرد و در همین سال به فرماندهی دانشکده افسری منصوب شد. در سال ۱۳۱۴ ش. به ریاست تعلیمات پیاده نظام و در سال ۱۳۱۵ ش. به فرماندهی لشکر ۲ پادگان مرکز، در سال ۱۳۱۶ ش. بازرس دانشکده افسری، در سال ۱۳۱۷ ش. مجدداً به فرماندهی دانشکده افسری منصوب شد. یزدان‌پناه در سال ۱۳۱۸ ش. به عضویت شورای عالی جنگ منصوب شد. اعضای شورا عبارت بودند از: سرلشکر یزدان‌پناه، سرلشکر ضوغامی، سرتیپ احمد نخجوان، سرتیپ بوذرجمهری، سرتیپ علی ریاضی، سرتیپ علی‌رزم‌آرا و یکی دو نفر رؤسای رکن‌های ستاد ارتش.

پس از شهریور ۱۳۲۰ ش. و ورود قوای متفقین به ایران سرلشکر یزدان‌پناه از ۹ مهر ۱۳۲۰ ش. به ریاست ستاد ارتش برگزیده شد. در این سمت در ۷ خرداد ۱۳۲۱ ش. به درجه سپهبدی ارتقاء یافت - سومین سپهبد، بعد از سپهبد امیراحمدی و سپهبد محمدشاه بختی بود - وی از سال ۱۳۲۲ ش. ژنرال آجودان شاه شد و در سال ۱۳۲۳ ش. به ریاست بازرسی ناحیه یک مرکز منصوب گردید. او در ۵ دی ماه ۱۳۲۵ ش. به ریاست بازرسی ارتش در آذربایجان و کردستان تعیین شد.

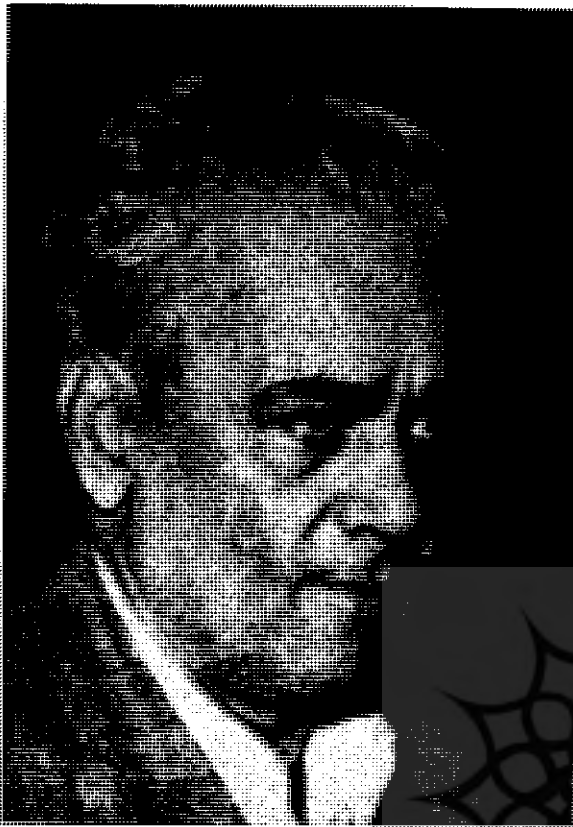
در فروردین ماه سال ۱۳۲۶ ش. سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی تحت ریاست اشرف پهلوی تأسیس و در ۲۰ اردیبهشت در دفتر ثبت موسسات به شماره ۸۲ ثبت گردید که یزدان‌پناه نیز از همان روز به عضویت هیأت مدیره سازمان تعیین شد. وی سپس از ۶ دی ۱۳۲۶ تا خرداد ۱۳۲۷ ش. وزیر جنگ در کابینه ابراهیم حکیمی، از ۲ مهر ۱۳۲۸ وزیر راه در کابینه محمدساعده مراغه‌ای شد. و از ۱۶ اسفند ۱۳۲۸ تا ۱۴ فروردین ۱۳۲۹ ش. وزیر جنگ در کابینه محمدساعده مراغه‌ای و از ۱۴ فروردین ۱۳۲۹ تا ۵ تیر ۱۳۲۹ ش. وزیر جنگ در کابینه علی منصور و از ۹ آذر ۱۳۳۰ تا ۲ مرداد ۱۳۳۱ ش. وزیر جنگ در کابینه دکتر محمد مصدق بود. از آن پس سپهبد یزدان‌پناه در ۲ مرداد ۱۳۳۱ ش. از طرف دکتر مصدق - نخست وزیر - به ریاست ستاد ارتش برگزیده شد و در ۳۰ مرداد ۱۳۳۱ ش. از سمت خود کنار رفت و بعد از مدتی از کار نظامی بازنشست و مابقی عمر را از دوره‌های دوم تا ششم سناتور بود. او در دوره دوم از ۲۷ اسفند ۱۳۳۵ تا ۲۵ اسفند ۱۳۳۸ ش. دوره دوم (سه ساله دوم) سناتور انتصابی از حوزه تهران و در دوره سوم از ۳ فروردین ۱۳۳۹ تا ۹ اردیبهشت ۱۳۴۰ ش. - که در این تاریخ مجلسین شورای ملی و سنا به فرمان شاه منحل شدند - سناتور انتصابی از حوزه تهران. در دوره چهارم از ۱۴ مهر ۱۳۴۲ تا ۱۲ مهر ۱۳۴۶ ش. سناتور انتصابی تهران و در این زمان از ۸ اسفند ۱۳۴۵ ش. رئیس شورای عالی تاجگذاری نیز بود - و در ۱ آبان ۱۳۴۶ ش. درجه اول تاج گرفت - در دوره پنجم مجلس سنا از ۱۴ مهر ۱۳۴۶ تا ۹ شهریور ۱۳۵۰ ش. سناتور انتصابی از حوزه تهران بود - در ۲۴ مرداد ۱۳۵۰ به موجب فرمان شاه مجلسین از تاریخ ۹ شهریور ۱۳۵۰ منحل شدند - و در

این دوره بازرسی شاهنشاهی مجدد آغاز به کار کرد و سپهبد یزدان‌پناه از ۱۱ خرداد ۱۳۴۷ در رأس آن قرار گرفت. - سازمان بازرسی شاهنشاهی تحت نظر نخست وزیر انجام وظیفه می‌کرد - سپس در این پست در ۱۰ آذر ۱۳۴۷ ش. باکسب اجازه از شاه برای معالجه به خارج کشور رفت. - در غیاب او شعاعی معاون کل بازرسی امور بازرسی را عهده‌دار بود - در دوره ششم مجلس سنا از ۹ شهریور ۱۳۵۰ ش. تا ۱۴ بهمن ۱۳۵۱ ش. که بر اثر عارضه قلبی فوت کرد سناتور انتصابی تهران بود. وی در هنگام مرگ علاوه بر سناتوری، رئیس بازرسی شاهنشاهی و رئیس شورای عالی بانک سپه نیز بود.

۱۳۵ - یزدی‌ندوشنی، مرتضی [دکتر] (فامیل وی جلال‌الدین بود، در ۱۲/اسفند ۱۳۱۳ به یزدی‌ندوشنی تغییر یافت)

دکتر مرتضی یزدی

دکتر مرتضی یزدی فرزند شیخ محمدحسین [نماینده تهران در دوره‌های اول تا سوم مجلس شورای ملی] در سال ۱۲۷۳ ش. در شرح حالی که خودش نوشته است تاریخ تولد خود را ۱۱ دی ۱۲۸۰ ذکر کرده - در نجف‌اشرف به دنیا آمد، تحصیلات مقدماتی را در مدرسه اقدسیه آغاز و در سال ۱۲۹۱ ش. تصدیق شش ساله ابتدایی را گرفت. از سال ۱۲۹۱ تا ۱۲۹۴ ش. به مدرسه سن‌لویی رفت و در سال ۱۲۹۴ ش. کارنامه تعلیمات ابتدایی را از آن مدرسه گرفته، سپس برای ادامه تحصیل به مدرسه دارالفنون رفت؛ و در سال ۱۲۹۷ ش. تحصیلات دوره متوسطه را در آنجا به پایان رساند. بعد از آن از سال ۱۲۹۷ تا ۱۳۰۱ ش. در مدرسه طب تهران به تحصیل مشغول شد. در سال ۱۳۰۱ ش. = ۱۹۲۲ م به جهت ادامه تحصیل به آلمان عزیمت و به مدت ۵ سال در دانشکده‌های کولین‌گن، مونستر، مونیخ، وین و برلن به تحصیل طب پرداخت. در سال ۱۳۰۶ ش. پس از امتحان دولتی دیپلمه، و پس از یک سال کار عملی در آلمان: اجازه طبابت گرفت. بعد از آن از سال ۱۳۰۶ تا ۱۳۱۱ ش. در بیمارستان نوکلن برلن، آسیستان جراحی پرفسور فیلکس وزورویوخ بود و در همین سال (۱۳۱۱ ش.) تخصص در جراحی عمومی گرفته، به ایران بازگشت. وی در سال ۱۳۱۲ ش. رئیس بخش جراحی بیمارستان



گوهرشاد حسابی - که در همین مقاله در زندگینامه پرفسور حسابی به اجمال گفته شده و استاد جراحی در دانشکده پزشکی تهران شد. در این زمان حزب کمونیست فعالیت‌های خود را به طور مخفیانه انجام می‌داد، ولی دولت هرگز به آنها اجازه نمی‌داد که تأثیری در حیات سیاسی کشور داشته باشند.

در سال ۱۳۱۶ توقیف دسته‌جمعی گروهی از طرفداران و اعضای حزب؛ موسوم به پنجاه‌وسه نفر از طرف پلیس شروع و اعضا و طرفداران حزب از جمله دکتر مرتضی یزدی از تاریخ ۲۷ اردیبهشت ۱۳۱۶ ش دستگیر و از طرف دادستانی ۱ و ۲ با حکم شماره ۲۲۵۳۹ از تاریخ دستگیری به مدت پنج سال به زندان مجرد محکوم و در ۲ بهمن ۱۳۱۶ ش تحویل زندان موقت شد.

او در بهمن ماه سال ۱۳۱۷ ش در اعتصاب چهار شبانه روزی؛ پنجاه‌وسه نفر شرکت داشت که سه نفر - دکتر یزدی، دکتر محمدبهرامی، نورالدین الموتی، ابوالقاسم موسوی، خلیل انقلاب، عبدالصمد کامبخش، خلیل ملکی، محمدپژوه و دکتر تقی‌ارانی به جرم محرک اعتصاب، به دستور شاه برای شکستن اعتصاب، در باغ خارج از محوطه زندان قصر به چوب و فلک بسته شدند. همه آنان با بیش از ۱۵۰ ضربه شلاق مضروب و مجروح شدند و سپس آنان را از باغ زندان قصر به زندان موقت شهربانی منتقل کردند و اعتصاب غذا را در هم شکستند. - بعد از محکومیت نیز چندین بار برای بازجویی از جمله در ۱۵ فروردین ۱۳۱۸ ش به اداره سیاسی اعزام شد - همچنین پس از زندانی شدن آنان تمامی هزینه‌هایی که از طرف دولت برای افراد تحصیل کرده (پنجاه‌وسه نفر) در خسارج از کشور پرداخت شده بود، تأدیه گردید و برای دکتر یزدی که به موجب تصویبنامه ۱۶ مهر ۱۲۹۵ ش. هیأت وزیران که بعداً به تصویب مجلس شورای ملی نیز رسیده بود ماهیانه سیصدریال درباره مشارالیه برقرار و پس از وضع رسوم، تومانی دوست دینار ماهیانه ۲۹۴ ریال تا آخر آبان ۱۳۰۵ ش جمعاً ۳۲۱۹۳ ریال که به مشارالیه پرداخت شده بود، و از تاریخ اول آذر ۱۳۰۵ به موجب قانون مورخ ۲ اردیبهشت ماه ۱۳۱۷ ش شهریه مشارالیه به مبلغ ششصد ریال ترقی داده شده که به مدت ۵ سال هزینه تحصیلات به او داده شده و شهریه ماهیانه پس از وضع رسوم پانصدو هشتاد و هشت ریال می‌شد؛ در مدت ۵ سال مبلغ ۳۵۲۸۰ ریال که جمع این دو رقم که پس از وضع رسوم دولتی معادل ۶۷۴۷۳ ریال می‌شد به مشارالیه پرداخت شده بود که حسب‌الامر شاه از اموال منقول و غیرمنقول او می‌بایست تأمین گردد.

در ۷ مهرماه ۱۳۲۰ ش هیأت مؤسس حزب توده ایران در منزل سلیمان محسن اسکندری تشکیل و سلیمان میرزا اسکندری، عباس اسکندری، شیخ محمدیزدی، ایرج اسکندری، رضا روستا، دکتر رضارادمنش، عبدالحسین نوشین، دکتر محمدبهرامی، بزرگ علوی، علی امیرخیزی و دکتر محمدیزدی به کمیته مرکزی موقت حزب انتخاب شدند. - در کنگره دوم نیز به کمیته مرکزی حزب انتخاب شد.

عصر روز ۱۰ مرداد ۱۳۲۵ ش. احمد قوام نخست وزیر کابینه ائتلافی خود را با شرکت وزیران حزب توده تشکیل داد و دکتر مرتضی یزدی از آن روز تا ۲۵ مهر ۱۳۲۵ ش. در کابینه ائتلافی قوام‌السلطنه وزیر بهداشتی بود. او در ۱۲ مرداد ۱۳۲۵ ش. به همراه دکتر فریدون کشاورز وزیر فرهنگ ایرج اسکندری وزیر پیشه و هنر، و اللهیار صالح وزیر دادگستری در وزارتخانه‌های خود دست به تغییرات دامنه‌داری زدند.

در این سال دکتر یزدی صاحب امتیاز نشریه هفتگی «رهبر یزد» ارکان حزب توده یزد نیز بود که این نشریه در آبان سال ۱۳۲۵ ش. توقیف شد و پس از مدتی دراز فقط چهار شماره از آن در آذر ۱۳۲۶ ش. انتشار یافت.

در سال ۱۳۲۷ ش با کشف سازمان نظامی ستون حزب توده ایران در هم شکست، و در مدت محدودی چاپخانه‌های حزبی -

اما قبل از آنکه مدت زندان یزدی به پایان برسد با ورود قوای شوروی و انگلیس به ایران در شهریور ۱۳۲۰، گروه پنجاه‌وسه نفر مورد عفو شاه جدید قرار گرفته و آزاد شدند و وی پس از شهریور ۱۳۲۰ تا سال ۱۳۲۷ ش رئیس بخش جراحی در بیمارستان فیروزبهری و بیمارستان شفا شد.

دکتر یزدی و دکتر بهرامی در طی سالهای ۱۳۲۴ تا ۱۳۲۶ ش مدیران شرکت چاپ شعله‌ور با مسئولیت محدود بودند - مخفیگاهها، سلاح‌ها و اکثر قاطع کادرهای حزب از بالا تا پایین به چنگ فرمانداری نظامی افتادند و از هیأت اجرائیه پنج نفری حزب توده؛ سه نفر، دکتر یزدی، دکتر بهرامی و مهندس علوی دستگیر و دو نفر کیانوری و جودت به خارج از کشور فرار کردند.

بعد از آنکه حزب توده غیرقانونی اعلام شد، دکتر یزدی در ۱۶ بهمن ۱۳۲۷ ش. طبق نامه شماره ۵ به دستور فرمانداری نظامی به شماره حکم ۱۹۳۳ دستگیر و از ۲۷ بهمن به زندان موقت و بعد به مدت ۵ سال به زندان مجرد محکوم شد، و بیمارستان بهارستان را که با اشتراک غده‌ای از اطبا بیمارستان تأسیس کرده بود، به علت توقیف وی از طرف شرکا در سال ۱۳۲۸ ش. تصفیه شد.

دکتر یزدی در ۲۸ اردیبهشت ۱۳۲۹ ش. از زندان، نامه‌ای به دربار ارسال و تقاضای انتقال و اشتغال در یکی از بیمارستانهای دولتی کرد، که دربار نامه او را محرمانه به سرلشکر زاهدی - رئیس شهربانی کل کشور - ارسال و از شهربانی درباره انتقال وی از نظر قانونی خواسته شد که طبق نامه ۱۹/۳۰۴/۱۰۶۰۴/۱ - ۲۰ تیر ۱۳۲۸ ش. از طرف اداره کارگاهی مراتب را همان گونه که قبلاً نیز از دادستان نظامی نوشته شده، خواسته شد و با انتقال وی به بیمارستان مخالفت شد.

و بعد از آنکه حکومت نظامی لغو شد، در ۷ آذر ۱۳۲۹ ش. قرار دادگاه نظامی و دادستان ارتش، حق رسیدگی و صدور کیفرخواست نداشته و کلیه تصمیمات آنها ملغی‌الاثرب و دادرسی استان تهران مرجع صالح برای رسیدگی به این پرونده شد و قبل از اینکه به پرونده وی رسیدگی شود، در ساعت هشت و نیم بامداد روز ۲۴ آذر ۱۳۲۹ ش. شخصی با لباس سرهنگ دومی به اتفاق هشت نفر دیگر ملبس به لباس گروهبانی ارتش در کامیونی که دارای علائم ارتشی بوده به زندان قصر می‌روند و به ستوان یکم قبادی افسر نگهبان اطلاع می‌دهند که برای بردن زندانیان سیاسی به دادگاه آمده‌اند. کامیون به محوطه زندان وارد می‌شود و با موافقت ستوان یکم محمدزاده، افسر نگهبان داخلی زندان، زندانیان را خارج می‌کند.

همین که مدتی از خروج زندانیان می‌گذرد و معاودت آنها به زندان به طول می‌انجامد، مأمورین زندان مراتب را به شهربانی اطلاع می‌دهند. از ستاد ارتش و شهربانی برای دستگیری زندانیان فعالیت آغاز می‌شود، و بخشنامه ذیل در ۲۵ آذر ۱۳۲۹ صادر گردید «در ساعت ۲۰/۳۰ روز ۲۹/۹/۲۴ ده نفر از سران حزب منحل توده که هر یک محکومیت‌هایی دارند، به مشخصات و اسامی زیر موفق به اغفال مأمورین گردیده و فرار نموده‌اند، با ارسال یک قطعه از عکس آنها خواهشمند است به مأمورین خود دستور فرمایید نهایت مراقبت‌های لازم را نموده و هر کسبی، هر یک از آنها را مشاهده نمودند فوراً دستگیر و نتیجه را تلگرافاً اطلاع دهند:

۱ - دکتر مرتضی یزدی ۲ - دکتر نورالدین کیانوری ۳ - دکتر

حسین جودت ۴ - علی علوی ۵ - احمد قاسمی ۶ - خسرو روزبه ۷ - علی اکبر شاندرمنی ۸ - صمد حکیمی ۹ - محمد بقراطی ۱۰ - عبدالحسین نوشین» بودند.

دکتر یزدی پس از آنکه به اتفاق سایر سران حزب توده از زندان فرار کرد، در تهران مخفی شد، تا این که روز شنبه ۲۸ اسفند ماه سال ۱۳۳۳ ش. مقارن ساعت هفت بعد از ظهر هنگامی که در یک اتومبیل سواری سیاه رنگ نشسته بود، توسط مأمورین انتظامی شناسایی و دستگیر شد. در ۲۵ مرداد، ۱۳۳۴ ش. سرتیپ حسین آزموده دادستان ارتش وی را به اتهام خیانت و توطئه علیه امنیت و اساس سلطنت، محاکمه و برای او تقاضای اعدام کرد. و در ۲۲ آبان ۱۳۳۴ ش. در دادگاه تجدید نظر نیز حکم دادگاه بدوی تأیید شد. ولی حکم اعدام او پس از قطعی شدن اجرا نشد، تا این که در ۱۱ دی ۱۳۳۴ ش. شاه با یک درجه عفو موافقت و در ۱۵ شهریور ۱۳۳۷ ش. حبس ابد شد. وی در مدتی که در زندان بود، در سال ۱۳۲۹ ش. کتاب «جراحی» را ۵۱ برگ تدوین و آن را در ۱۲ آبان ۱۳۲۹ ش. جهت چاپ در اختیار شهربانی قرار داد و پس از فرار و دستگیری مجدداً کتاب سه جلدی «دانستنی‌های پزشکی برای همه» را تا سال ۱۳۳۹ ش. تألیف و در تاریخ ۳۱ فروردین ۱۳۳۹ ش. جهت چاپ به شهربانی ارسال کرد.

بعد از آن دکتر یزدی برابر نامه ۳۶۸۲ اداره دادرسی ارتش و برابر نامه ۱۷۰۰ - ۵ آبان ۱۳۴۱ اداره فنی دادگستری و فرمان شاه، محکومیت حبس ابد نامبرده، با یک درجه تخفیف به هفت سال حبس یا اعمال شاقه تبدیل و در ۵ آبان ۱۳۴۱ ش. به همراه ۲۵۳ که در بین آنها ۱۷ نفر زندانی سیاسی بودند مورد عفو قرار گرفته و آزاد شد. - هفده نفر بالا شامل: دو نفر دکتر یزدی و مهندس عباس کرمانی و پانزده نفر دیگر نیز از کسانی بودند که سالهای قبل به شوروی فرار کرده بودند و سپس توسط مقامهای شوروی دستگیر و تحویل ایران گردیده بودند. مورد عفو قرار گرفته و آزاد شدند. دکتر یزدی پس از آزادی مشاور بهداشت کارگران در وزارت کار شد. سپس در ۸ تیر ماه ۱۳۶۰ ش در تهران درگذشت.

### تألیفات دکتر یزدی:

- ۱ - اتم نیروی نابوده‌کننده و سازنده از نظر پزشکی، [با نام مستعار] احمد روانی، زیر نظر پرویز شهریاری، شماره ۴ مجموعه علوم جدید، تهران: [بی تا] ۱۳۴۰ ش. ۹۱ ص.
- ۲ - «دانستنی‌های پزشکی برای همه» به زبان ساده در ۳ جلد، تهران، [بی تا]، [جلد اول و دوم] ۱۳۴۲ [و جلد سوم] ۱۳۴۳ ش. جلد اول ۲۵۰ + ۸ ص، جلد دوم ۵۳۰ ص و جلد سوم ۳۲۳ ص.
- جلد اول - (انسان سالم) شامل: تشریح فیزیولوژی و بهداشت فردی.
- جلد دوم - (انسان بیمار) شامل: شرح بیماری‌ها، معالجه، پرستاری و پزشکی قانونی.

جلد سوم - (پیشگیری بیماری) شامل فصول: آمار پزشکی، موجودات مولد بیماری، تأسیسات لازم جهت پیشگیری، صلیب سرخ و سازمان جهانی بهداشت، کمکهای اولیه، راهنمای مسافرتین به مناطق گرمسیر، بهداشت کار، پزشکی ورزش، مادر و کودک، قوانین بهداشت و بیمه‌های اجتماعی و تاریخ پزشکی.

۳- جراحی [ این کتاب در زندان تدوین شد و جهت اداره بهداشتی شهرستانی تکثیر شد. ]

## منابع و مآخذ

در قسمت نخستین ذکر منابع، جهت تدوین زندگینامه رجال مورد نظر منابع و مآخذی معرفی می‌گردد که برای تمامی افراد از آن منابع استفاده شده و در قسمت دوم از ذکر منابع، برای هر یک از رجال بطور جداگانه منابع و مآخذ مربوط به آن دوره ذکر شده است.

- ۱- ضرغام بروجنی، جمشید، دولت‌های عصر مشروطیت، تهران، انتشارات مجلس شورای ملی، ۱۳۵۰ ش.
- ۲- عاتقی، باقر، روزشمار تاریخ ایران از مشروطه تا انقلاب اسلامی، چاپ دوم، جلد اول و دوم، تهران، نشر گفتار، ۱۳۷۲ ش.
- ۳- عاقلی، باقر، نخست وزیران ایران از مشیرالدوله تا بختیار، تهران، انتشارات جاویدان، ۱۳۷۰ ش.
- ۴- سبعمی، احمد، سی‌وهفت سال، چاپ چهارم، تهران، انتشارات شباویز، ۱۳۶۷ ش.
- ۵- شمیمی، زهرا، نخبگان سیاسی ایران از انقلاب مشروطیت تا انقلاب اسلامی، ج سوم، تهران، انتشارات سخن، ۱۳۷۳ ش.
- ۶- ۲۸ هزار روز تاریخ ایران و جهان، سه جلد، انتشارات موسسه اطلاعات.

## ۱۳۱- حسابی، سید محمود [دکتر]

- ۱- یغمایی، اقبال، وزیران علوم و معارف و فرهنگ ایران، تهران: انتشارات مرکز نشر دانشگاهی، دانشگاه تهران، ۱۳۷۵ ش، صص ۴۳۴-۴۳۷.
- ۲- فرهنگ قهرمانی، عطاءالله، اسامی نمایندگان مجلس شورای ملی از آغاز مشروطیت تا دوره ۲۴ قانونگذاری و نمایندگان مجلس سنا در هفت دوره تقنینیه از ۲۵۰۸ تا ۲۵۳۶، تهران: انتشارات مجلس شورای ملی، ۲۵۳۶، صص ۳۲۸-۳۴۰، ۳۴۲، ۳۴۷، ۳۳۵، ۳۵۹.
- ۳- حسابی، محمود، فرهنگ واژگان انگلیسی به فارسی (فرهنگ حسابی) تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و دانشکده صنعتی امیرکبیر واحد نفوس، ۱۳۷۲ ش، [مقدمه] صص ۱-۳.
- ۴- عبدالله پور، احمد، وزرای معارف ایران، [بی‌جا]. ناشر: مؤلف، ۱۳۶۹ ش، صص ۱۷۸-۱۸۴.
- ۵- بنی‌آدم، حسین، کتابشناسی موضوعی ایران سالهای ۱۳۴۸-۱۳۴۳ شمسی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۲ ش، صص ۳۱۲.
- ۶- فرهنگستان زبان ایران. واژه‌های نو تا پایان سال ۱۳۱۹، تهران: دبیرخانه فرهنگستان زبان ایران، ۱۳۱۹ ش. [مقدمه حرف پ]

۷- افشار، ایرج، فهرست مقالات فارسی، ۱۳۴۶-۱۳۵۰ ش، ج ۳، تهران: شرکت سهامی کتابهای جیبی، ۲۵۳۵، صص ۵۲، ۲۰۵.

۸- انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، یادواره استاد دانشمند دکتر محمود حسابی، [تهران]: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۵ ش.

۹- فرهنگ آفرینش (ویژه‌نامه)، یادواره سومین سالگشت دکتر سید محمود حسابی، تهران، شهریور ۱۳۷۴ ش.

۱۰- افشار، ایرج، آینده، یادبودها، سال هجدهم، شماره ۷-۱۲ (مهر-اسفند ۱۳۷۱ ش)، صص ۴۹۸-۴۹۹.

۱۱- آرشیو روزنامه اطلاعات، شماره ۱۸۰.

۱۲- سازمان اسناد ملی ایران، «اسناد معارف ب»، کد ۵۱.۴۱، پاکت ۹۶۷ و ۹۸۷، پاکت-کد ۵۱۰۰۷، پاکت ۶۲۱ و-کد ۵۱۰۰۶، پاکتهای ۵۷۳ و ۵۲۳ کد ۵۷۰۰۱، پاکتهای ۱۶۵۲ و ۱۷۹۰-کد ۵۷۰۰۱، شماره ۲۶۷۸.

۱۳- روزنامه اطلاعات، سه سال پس از خاموشی (نگاهی به زندگی اجتماعی پرفسور دکتر محمود حسابی)، شماره ۱۵۴۳۹- پنجشنبه ۱۶ شهریور ۱۳۷۴ ش، صص ۶.

۱۴- مرسلوند، حسن، زندگینامه رجال و مشاهیر ایران (۱۲۹۹-۱۳۲۰ ش)، جلد سوم، تهران: انتشارات الهام، ۱۳۷۳ ش، صص ۸۸-۹۰ و ۴۴۷-۴۴۸.

۱۵- بنیاد پرفسور دکتر سید محمود حسابی. فرازهایی از زندگی پرفسور دکتر سید محمود حسابی بنیانگذار علوم نوین و دانشگاه در ایران، تهران: بنیاد پرفسور دکتر سید محمود حسابی، [۱۳۷۶ ش].

\* از جناب آقای مهندس ایرج حسابی که باصمیمت اطلاعات بسیار مفیدی در مورد زندگینامه پرفسور حسابی در اختیارم گذاشتند، کمال تشکر را دارم.

## ۱۳۲- غنی، قاسم [دکتر]

- ۱- غنی، قاسم، یادداشت‌های دکتر قاسم غنی (۹ جلد)، به کوشش سیروس غنی، تهران: انتشارات آبان و انتشارات زوار، ۱۳۶۱ ش.
- ۲- [مقدمه]: جهان‌شاه صالح، راهنمای دانشکده پزشکی داروسازی-دندانپزشکی و بیمارستانها و آموزشگاههای وابسته، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۳۲ ش، صص ۱۵۷-۱۵۸.
- ۳- امین، محمد، دکتر قاسم غنی در: مشاهیر رجال به کوشش باقر عاقلی، تهران، نشر گفتار، ۱۳۷۰ ش، صص ۳۶۶-۳۷۶.
- ۴- احتشامی، ابوالحسن، بازیگران سیاست، تهران: بنگاه مطبوعاتی امروز، ۱۳۲۸ ش، صص ۹۳-۹۷.
- ۵- یغمایی، اقبال، همان، صص ۳۷۲-۳۷۵.
- ۶- مرسلوند، حسن، همان، جلد ۵، تهران: انتشارات الهام، ۱۳۷۵ ش، صص ۲۵-۲۹.
- ۷- بامداد، مهدی، شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ هجری، جلد ۵، چاپ چهارم، تهران: انتشارات زوار، ۱۳۷۱ ش، صص ۱۷۹.
- ۸- تقوی، تقیب، مقاله‌نامه خراسان (ویرایش ۲ با بازنگری)، چاپ دوم، مشهد: معاونت فرهنگی آستان قدس، ۱۳۷۲ ش، صص ۳۳۳.
- ۹- امین، سیدحسن، از خاطرات دکتر قاسم غنی، خاطرات وحید، شماره ۳۱ (۱۵ اردیبهشت تا ۱۵ مرداد ۱۳۵۳)، صص ۷.

### ۱۳۴ - یزدان پناه، مرتضی [سپهد]

- ۱ - مستوفی، عبدالله. شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه، ج ۳، چاپ ۳، تهران: انتشارات زوار، ۱۳۷۱ ش. ص ۲۶۹.
- ۲ - سردار اسعد، خاطرات سردار اسعد بختیاری (جمفرقلی خان ایربهادر)، به کوش ابرج افشار، تهران: انتشارات اساطیر، ۱۳۷۲ ش. صص ۲۳۷ - ۲۵۲.
- ۳ - امیراحمد، احمد. خاطرات نخستین سپهد ایران، احمد امیراحمدی، تهران: انتشارات موسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۳ ش. صص ۱۶۷، ۱۷۵، ۲۹۸، ۴۰۲، ۴۰۳، ۴۱۴ - ۴۹۸.
- ۴ - ابتهاج، ابوالحسن. خاطرات ابوالحسن ابتهاج، تهران: انتشارات علمی، ۱۳۷۱ ش. ص ۲۴.
- ۵ - ملک الشعرای بهار، تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران، ج ۲، چاپ ۲، تهران: انتشارات امیرکبیر ۱۳۷۱ ش، ص ۳۷۱.
- ۶ - فرحنگ قهرمانی، عطاءالله. همان، صص ۳۴۷، ۳۵۹، ۳۵۸، ۳۶۷، ۳۷۷، ۳۸۸، ۳۷۸.
- ۷ - قاسمی، ابوالفضل، سیاستمداران ایران در اسناد محرمانه وزارت خارجه بریتانیا (بخش دهم)، آینده، سال نوزدهم، شماره ۴ - ۶ (تیر - شهریور ۱۳۷۲ ش)، ص ۴۰۸.
- ۸ - قائم مقامی، جهانگیر. تاریخ ژاندارمری ایران از قدیمترین ایام تا عصر حاضر، [تهران]: روابط عمومی ژاندارمری، ص ۳۴۸.
- ۹ - آرشیو روزنامه اطلاعات، شماره ۲۱۲.
- ۱۰ - روزنامه اطلاعات، تاریخ ۱۳۵۱/۱۱/۵.

### ۱۳۵ - یزدی، مرتضی [دکتر]

- ۱ - سازمان اسناد ملی ایران، اسناد کامپیوتری، کد ۲۹۴۰۰۰۴۰۲، محل در آرشیو ۸۰۴ الف ۳ الف ذ ۱ - شماره ۲۹۳۰۰۰۲۷۵، محل در آرشیو ۲۱۳۳۰ ب آ.
- ۲ - سازمان اسناد ملی ایران، اسناد نخست وزیری ۹ - ۱۱۶۱۰۷، پاکت ۱۴۶۷.
- ۳ - الموتی، ضیاءالدین. فصولی از تاریخ مبارزان سیاسی و اجتماعی ایران، تهران: شرکت انتشارات چاپخش، ۱۳۷۰ ش، صص
- ۴ - برزین، معهود. شناسنامه مطبوعات ایران از ۱۲۱۵ تا ۱۳۵۷ ش. تهران: انتشارات بهجت، ۱۳۷۱ ش. ص ۲۲۰.
- ۵ - ابوترابیان، حسین. مطبوعات ایران از شهریور ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۶ ش، تهران: موسسه اطلاعات، ۱۳۶۶ ش، ص ۹۷.
- ۶ - بنی آدم، حسین. همان، ص ۳۲۳.
- ۷ - اسکندری، ابرج. خاطرات سیاسی، به کوش علی دهباشی، تهران: انتشارات علمی، ۱۳۶۸ ش، چاپ دوم، صص ۵۷، ۵۹، ۳۷۱، ۶۵۱، ۶۹۳.
- ۸ - فرزانه، حسین. پرونده پنجاه و سه نفر، تهران: موسسه انتشارات نگاه، ۱۳۷۲ ش، صص ۳۹۱، ۴۰۴.
- ۹ - اسناد خانوادگی دکتر یزدی، توسط سرکار خانم بدرالملوک تگستانی، خانم ایشان، در اختیار نگارنده قرار گرفت. که در تکمیل زندگینامه دکتر یزدی بسیار مشر ثمر بود. در این اجمال از سرکار ایشان کمال تشکر را دارم.
- ۱۰ - با تشکر از همکاری آقای دکتر باقر عالی، ابراهیم شاکری و حسن شاهانفر و همکاران ایشان در آرشیو روزنامه‌های اطلاعات و کیهان، آقای رضا فراستی مدیر آرشیو موسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی، کتابخانه و بانک اطلاعاتی موسسه مزبور و کلیه همکاران سازمان اسناد ملی که زمینه دستیابی به اسناد را فراهم کردند.

- ۱۰ - امین، سیدحسن. از خاطرات دکتر قاسم غنی، خاطرات وحید، شماره ۳۸ (۱۵ آذر تا ۱۵ دی ۱۳۵۳)، ص ۲۶.
- ۱۱ - سرمد، غلامعلی. اعزام محصل به خارج از کشور در دوره قاجاریه، تهران: انتشارات چاپ و نشر بنیاد، ۱۳۷۲ ش. صص ۳۶۸ - ۳۷۰.
- ۱۲ - عبدالله پور، احمد. همان، صص ۱۳۷ - ۱۴۰.
- ۱۳ - فرحنگ قهرمانی، عطاءالله. همان، صص ۱۳۱، ۱۴۶، ۱۶۰، ۱۷۴.
- ۱۴ - دبیرخانه فرهنگستان، همان، [مقدمه]: صفحه ب.
- ۱۵ - صدیق، عیسی. یادگار عمر، خاطراتی از سرگذشت دکتر عیسی صدیق، جلد ۲، تهران: انتشارات دهخدا، ۱۳۵۲ ش، صص ۱۱۰، ۲۴۶.
- ۱۶ - هدایت، مهدقلی. خاطرات و خطرات (توشه‌ای از تاریخ شش پادشاه و گوشه‌ای از زندگی من)، چاپ پنجم، تهران: ۱۳۷۵ ش، ص ۴۴۴.
- ۱۷ - دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، سیاست‌گزاران و رجال سیاسی در روابط ایران، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۶۹ ش، صص ۳۴، ۶۹، ۱۱۵.
- ۱۸ - افشار، ابرج. کابیناسی ده ساله کابهای ایران، با همکاری حسین بنی‌آدم، [تهران]: انجمن کتاب، ۱۳۴۶ ش. صص ۱۰۵، ۱۳۰، ۱۳۹، ۳۲۹، ۳۳۲، ۳۶۰، ۵۰۰.
- ۱۹ - کتابخانه ملی ایران، کابیناسی ملی ایران، شماره ۴۷، تهران، انتشارات کتابخانه ملی ایران، ۱۳۵۷ ش. ص ۶۵.
- ۲۰ - خاکساری، محمدعلی. کابیناسی خراسان، مشهد: ناشر کنگره جهانی حضرت رضا (ع)، ۱۳۶۷، صص ۱۸۸، ۲۸۱، ۳۰۸، ۴۰۶.
- ۲۱ - افشار، ابرج. فهرست مقالات فارسی، جلد ۱، همان، صص ۸، ۱۸۲ - ۱۸۳، ۲۱۱، ۲۱۶، ۵۰۰، ۸۰۵، ۸۱۷.
- ۲۲ - یغمایی، حبیب. خاطرات حبیب یغمایی، به کوش ابرج افشار، تهران: انتشارات طلایه، ۱۳۷۲ ش. صص ۵۸ - ۵۹.
- ۲۳ - سازمان اسناد ملی ایران، اسناد نخست وزیری، کد ۳۹ - ۱۱۶۰۰۴، پاکت‌های ۱۰۸۶، ۱۰۸۷، ۱۰۸۹، ۱۰۹۰، ۱۰۹۱، ۱۰۹۲، ۱۰۹۳.
- ۲۴ - سازمان اسناد ملی ایران، اسناد معارف «ب»، پاکت ۱۷۹۰.
- ۲۵ - روزنامه مهر ایران، سال سوم، شماره ۶۰۵، چهارشنبه ۹ فروردین ۱۳۲۳ ش، ص ۱.

### ۱۳۳ - مالک، سعید [دکتر]

- ۱ - [مقدمه] جهان‌شاه صالح، راهنمای دانشکده پزشکی، داروسازی - دندانپزشکی - بیمارستانها و آموزشگاههای وابسته، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۳۲ ش. صص ۵۴ - ۵۵.
- ۲ - دهخدا، بهرام. پارلمان ایران (شرح زندگانی شخصی و اجتماعی نمایندگان دوره هیجدهم مجلس شورای ملی)، تهران: [بی‌نا]، ۱۳۳۲ ش، ص ۶۳.
- ۳ - فرحنگ قهرمانی، عطاءالله. همان، صص ۳۲۳، ۳۳۶، ۳۴۱، ۳۴۵، ۳۵۲ - ۳۵۷، ۳۵۹، ۳۶۹، ۳۷۱، ۳۷۷، ۳۸۲، ۳۸۰.
- ۴ - آرشیو روزنامه اطلاعات، شماره ۲۱۸.
- ۵ - سازمان اسناد ملی ایران، معارف «ب» کد ۵۲۰۱۰، پاکت ۱۷۹۰.
- ۶ - سالنامه کشور ایران، سال بیست و ششم، صص ۵۲۴ - ۵۲۷.